

مهاجرت علی [ع] از مکه

چرا علی (ع) در روز روشن راه مدینه را پیش گرفت؟

رشته از مجاهدتها و کوششها و نبردها «غزوه» می-گویند که فرماندهی و رهبری سپاه اسلام را، خود پیامبر برعهده می‌داشت، و شخصاً همراه ارتش اسلام حرکت می‌کرد، و با آنان نیز به مدینه باز می‌گشت، و در برابر آن پنجاه و پنج (۱) «سریه» داشت، و مقصود از «سریه» آن رشته از نبردها است که ستونی از ارتش اسلام، برای سرکوبی شورشیان و توطئه‌گران، از مدینه حرکت می‌کرد، و فرماندهی ستون، به عهده یکی از افراد برجسته سپاه اسلام گذارده می‌شد.

امیرمؤمنان در بیست و شش غزوه از غزوات پیامبر شرکت کرده و فقط در غزوه «تبوک» به فرمان پیامبر در مدینه اقامت‌گزید؛ و از شرکت در جنگ بازماند و راز آن این بود که بیم آن می‌رفت که منافقان مدینه، در غیاب پیامبر دست به شورش بزنند و زمام امور را

مهاجرت امام علی (ع) از مکه به مدینه، پس از هجرت پیامبر گرامی اسلام، سومین بخش از زندگی آن حضرت را تشکیل می‌دهد، این بخش از حیات علی، مملو از فداکاری و جانبازی است، با اینکه دوران آن، از ده سال تجاوز نمی‌کند، ولی سراسر صفحات این فصل از کتاب حیات علی را، یک رشته سطور طلایی و حوادث بسیار برجسته و چشم‌گیر تشکیل می‌دهد.

کارهای مهم و حساس امام، در این فصل از زندگی، در دو فراز خلاصه می‌شود:

۱ - جانبازی و فداکاری در میدان جهاد:

پیامبر گرامی در دوران زندگانی خود در مدینه، با مشرکان و یهودان و شورشیان بیست و هفت «غزوه» داشت، در اصطلاح سیره‌نویسان اسلامی، به آن

(۱) واقعی در مغازی خود ج ۱ مقدمه کتاب تعداد سربهای پیامبر اکرم از آن میدانند

این جهت امام موفق گردید آنچه را که از پیامبر شنیده بود، به صورت شش کتاب از خود یادگار بگذارد و پس از درگذشت امام همه این کتابها، در نزد فرزندان امام، به عنوان ارزنده ترین گنجینه؛ حفاظت می شد، و بزرگپیشوایان ما پس از امام، در مقام احتجاج بر بزرگان به این کتابها استناد می-جستند و «زراره» که یکی از شاگردان برجسته امام صادق (ع) می باشد برخی از این کتابها را نزد امام دیده و خصوصیات آن را نقل نموده است (۱)

چگونه امام مهاجرت کرد؟!

پس از مهاجرت پیامبر: امام در انتظار نامه رسول گرامی بود چیزی نگذشت که «ابو اقلیش» نامه ای از پیامبر گرامی به مکه آورد و تسلیم علی کرد، پیامبر در آن نامه آنچه را که در شب سوم هجرت، در غار ثور، شفاهاً به علی گفته بود، تأیید نموده و فرمان داده بود که علی (ع) با بانوان خاندان رسالت حرکت کند، و به افراد ناتوان که مایل به مهاجرت هستند کمک نماید.

امام که وصایای پیامبر را درباره امانتهای مردم موبه مو عمل کرده بود، کاری جز فراهم ساختن انتقال خود و بستگانش به مدینه نداشت. امام به آن گروه از مؤمنان که آماده مهاجرت بودند پیغام داد که مخفیانه از مکه حرکت کنند، و در چند کیلومتری شهر به نام «ذی طوی» توقف نمایند تا قافلدهی امام به آنان برسد. اماعلی با اینکه چنین پیغامی که به آنان داده بود؛ خود وی در روز روشن

در مرکز اسلام (مدینه) به دست بگیرند، و بیچارگان و افتادگان را از پای در آورند، از این جهت پیامبر دستور داد که امام در مدینه بماند و از شرکت در جنگ تبوک صرف نظر کند.

تعداد «سریه» هائی که رهبری آنها بر عهده امام بود درست مشخص نیست ولی تفصیل برخی از این سریه ها را که رهبری آنها را علی بر عهده داشت در صفحات این بخش خواهیم نگاشت.

۲- ضبط وحی آسمانی (قرآن) از طریق کتابت، و تنظیم بسیاری از اسناد تاریخی و سیاسی و نوشتن نامه های تبلیغی و دعوتی و... یکی دیگر از کارهای حساس و پر اراج امام بود.

امیرمؤمنان تمام آیات قرآن را چه آنها که در مکه نازل شده و یا آیاتی که در مدینه نازل گردیده بسود، در دوران حیات پیامبر سه دقت ضبط مینمود، و از این جهت یکی از کاتبان **وحی و حافظان قرآن** بشمار می رفت.

امام در تنظیم اسناد سیاسی و تاریخی، و نامه های تبلیغی که هم اکنون متن بسیاری از آنها در کتابهای سیره و تاریخ، مضبوط است نخستین «سپیرو اسلام» به شمار می رود؛ حتی صلحنامه تاریخی «حدیبیه» به املاء پیامبر و خط علی تنظیم گردید. رشته خدمات علمی و قلمی امام منحصر به اینها نبود، بلکه در حفظ آثار و سنن پیامبر گرامی کوششهایی فراوان داشت، و در فرصت های مخصوص، سخنان پیامبر را پیرامون احکام و فرائض، آداب و سنن، و حوادث و خبرهای غیبی و... ضبط می کرد، از

(۱) تهذیب الاحکام شیخ طوسی ج ۲ ص ۲۰۹ ط نجف. فهرست نجاشی ص ۲۵۵ ط هند، و نگارنده پیرامون این شش کتاب در مقدمه «بررسی مسند احمد» به طور گسترده سخن گفته است.

بیان گردید

اونه تنها به عموی خود این پاسخ را گفت، بلکه هنگامی که «لیثی» هدایت شتران را برعهده گرفت و برای اینکه کاروان را هرچه زود از تیررس قریش بیرون ببرد، بر سرعت شتران افزود، امام او را از عجله و شتاب بازداشت، و گفت: پیامبر به من فرموده است از آنان آسیبی در این راه به تو نخواهد رسید. سپس هدایت شتران را برعهده گرفت و رجزی می خواند که مضمون آن این است:

در جهان آفرینش زمام امور، در دست خداست
و هر نوع بدگمانی را از خود دور کن، او برای هر-
حاجت مهمی کافی است (۲)

قریش علی را تعقیب می کنند:

کاروان امام نزدیک بوده سرزمین «ضجنان» برسد که هفت سواره‌ی نقابدار از دور نمایان شدند و به سرعت اسبهای خود را به سوی کاروان راندند، علی برای جلوگیری از هر نوع پیش آمد بد، برای زنان به «واقده» و «ایمن» دستور داد، که فوراً شتران را بخوابانند و پا‌های آنها را ببندند سپس کوشید که زنان را پیاده کند و این کار انجام میگرفت که سواران نقابدار با شمشیرهای برهنه سر رسیدند درحالی که خشم گلوی آنان را می‌فشرد، شروع به

بارسفر بست و زنان را با کمک «ایمن» فرزند «ام ایمن» سوار بر کجاوه کرد؛ و به ابوقاد گفت: شتران را آهسته بران زیرا زنان، توانائی تند روی را ندارند.

«ابن شهر آشوب» می نویسد: (۱) «عباس»

از تصمیم علی آگاه گردید و دانست که علی (ع) می خواهد در روز روشن در برابر دیدگان دشمنان مکه را ترک گوید و زنان را همراه خود ببرد، از این جهت فوراً خود را به علی رسانید و گفت: محمد مخفیانه مکه را ترک گفت و قریش برای پیدا کردن او تمام نقاط مکه و اطراف آن را زیر پانهادند، در این صورت تو چگونه مکه را با این عائله در برابر دیدگان دشمنان، ترک می‌گویی، هیچ می‌دانی که آنان ترا از حرکت باز می‌دارند؟!

علی در پاسخ عموی خود، گفت: شئی که بسا پیامبر در عارملاقات کردم، و به من دستور داد که با زنان هاشمی از مکه مهاجرت نمایم به من چنین نویسد داد که از این بعد آسیبی به تو نخواهد رسید، من به پروردگارم اعتماد و به قول احمد ایمان دارم، و راه او باره من یکی است. از این جهت روز روشن در برابر دیدگان قریش، مکه را ترک می‌گویم! سپس چند شعری سرود که مضمون آنها همان است که

(۱) متن شعر امام چنین است:

رجل صدوق قال عن جبریل
فان الله يردهم عن التنكيل
و سيلة متلاحق بسبيلي

(۲) امالی شیخ طوسی ص ۲۹۹ - بحار ج ۱۹ ص ۶۵ و متن رجز اینست:

يكفيك رب الناس ما همكا

ان ابن آمنة النبي محمداً
ارخ الزمام ولا تخف عن عائق
اني بري واثق و با حمد

ليس الا الله فارفع ظنكنا

راه مدینه را پیش گرفت در نزدیکی کوه «صحنان» يك شبانه روز به استراحت پرداخت ، تا افراد دیگری که تصمیم مهاجرت داشتند ، به علی پیوندند .

از جمله افرادی که به علی پیوست ام ایمن بود. آن زن پاکدامنی که تا پایان عمر هرگز از خاندان رسول خدا جدا نشد .

تاریخ می گوید : علی تمام این مسافت را با پای پیاده طی کرد ، و در تمام منازل یاد خدا از لبان علی کنار رفت ، و در همه راه نماز را با همسفران خود بجا می آورد .

برخی از مفسران می گویند: آیه زیر درباره این افراد نازل گردیده است .

«الذین یذکرون الله قیاما وقعودا و علی جنوبهم و ینفکرون فی خلق السماوات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا» (سوره آل عمران آیه ۱۹۱)

: کسانی که خدا را (در تمام حالات) ایستاده و نشسته و یا بر پهلوئ خود خوابیده ، یاد می کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند و می گویند خدا یا تو این نظام بزرگ خلقت را بی جهت و بدون هدف خلق نکرده ای . (۱)

هنگامی که علی وارد مدینه شد خبر به پیامبر رسید و وقتی دیدگان پیامبر به علی افتاد ، مشاهده کرد که پاهای وی درم کرده و قطرات خون از آن می چکد ، دست به گردن علی افکند و اشک در دیدگان پیامبر حلقه زد . (۲)

بدگویی کردند، و در ضمن گفتند: تو تصویری کنی با این زنان می توانی از دست ما فرار کنی؟! حتماً باید از این راه بازگردی. علی گفت اگر بساز نگردم چه می شود؟! گفتند: با زورتورا برمی گردانیم و در غیر این صورت ما با سرتو باز می گردیم! این جمله را گفتند سپس روبه شتران آوردند که آنها را ردهند، در این موقع علی با شمشیر خود مانع از پیشروی آنان گردید ، یکی از آنان شمشیر خود را متوجه علی کرد. علی شمشیر او را از خود باز گردانید سپس در حالی که فرزند ابوطالب کانونی از خشم و غضب بود، با شمشیر خود بسوی آنان حمله برد و شمشیر خود را متوجه یکی از آنان به نام «جناح» ساخت . شمشیر نزدیک بود که بر شانه او فرود آید . ناگهان اسب او عقب رفت و شمشیر امام بر پشت اسب او فرود آمد، و سپس افزود: من عازم مدینه هستم و هدفی جز این ندارم که به حضور رسول خدا برسم ، هر کسی میخواهد که گوشت او را قطع و قطعه کنم و خون او را بریزم بدنبال من بیاید و یابه من نزدیک شود ، این جمله را گفت سپس به ایمن و ابوبو اقد گفت بر خیزید پای شتران را باز کنید و راه خود را پیش گیرید .

دشمنان احساس کردند، که علی حاضر است تا پای جان با آنان بجنگد زیرا با دیدگان خود دیدند که وی تا مرز جنگ آمد، و نزدیک بود که یکی از آنها جان خود را از دست بدهد از این جهت از تصمیم خود بازگشتند و راه مکه را پیش گرفتند و امام نیز

(۱) امالی شیخ طوسی ص ۳۰۳ - ۳۰۶

(۲) اعلام التوری ص ۱۹۲ - تاریخ کامل ج ۲ ص ۷۵